

معماری سرزمین گرگان  
خانه تاریخی امیرلطیفی  
(موزه صنایع دستی)

مقاله‌ای از دانشنامه گلستان (جرجان و استرآباد)



رحمت‌اله‌رجایی\*



خانه تاریخی امیرلطیفی - عکس از شاهی پودینه

مقدمه

در محدوده‌ی بافت تاریخی شهر گرگان بناهای مسکونی متعددی از ادوار گذشته - به‌خصوص قاجاریه و پهلوی اول - برجای مانده که برخی از آن‌ها متعلق به رجال سرشناس شهر استرآباد (گرگان) بوده و تعداد محدودی از این بناها دارای معماری فاخر هستند. خانه‌ی تاریخی امیرلطیفی در شمال‌شرقی بازار نعلبندان و در همسایگی مسجد جامع، مدرسه‌دارالشفاء و خانه محمدمهدی‌خان ملک ملقب به ساعدلشکر، از جمله‌ی این بناهای مسکونی با ارزش معماری و تاریخی است که هم‌اکنون در تملک اداره‌کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان گلستان قرار داشته و موزه صنایع‌دستی استان گلستان در آن دایر است.

مقاله‌ای که در ادامه ارائه خواهد شد، ذیل مدخلی با عنوان «خانه امیرلطیفی (موزه صنایع‌دستی استان گلستان)»، در جلد نخست از مجموعه ۳ جلدی دانشنامه گلستان (جرجان و استرآباد) چاپ و منتشر شده است.

واژگان کلیدی: خانه امیرلطیفی - موزه صنایع‌دستی - سیدابوالقاسم امیرلطیفی - بافت تاریخی گرگان

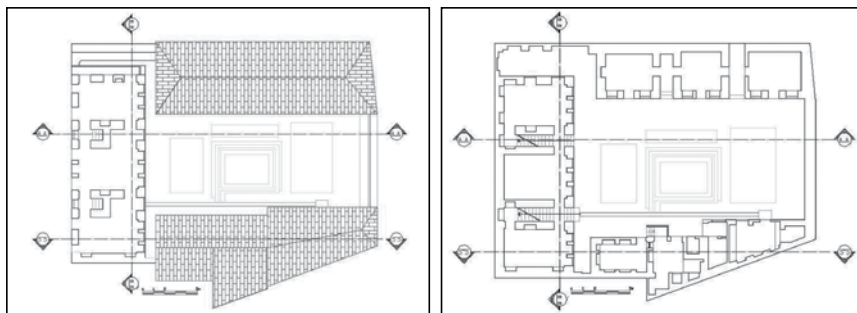
\* پژوهشگر تاریخ و عضو شورای راهبردی دانشنامه گلستان

۱ - مؤسسه فرهنگی میرداماد گرگان (۱۳۹۵). دانشنامه گلستان (جرجان و استرآباد). جلد اول. گرگان، نشر بنام (وابسته به مؤسسه فرهنگی میرداماد). چاپ اول

### خانه امیرلطیفی (موزه صنایع دستی استان گلستان)

خانه تاریخی امیرلطیفی بنایی مسکونی در محله نعلبندان و در شمال غربی مسجد جامع گرگان واقع شده است. این بنا به علت قدمت و معماری ویژه، در ۱۸ آبان سال ۱۳۷۸، با شماره ۲۳۹۱ در فهرست آثار ملی کشور ثبت و در سال ۱۳۸۶، توسط اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان گلستان خریداری شد. این خانه پس از مرمت و بازسازی و صرف هزینه‌ای به مبلغ ۴ میلیارد و ۴۸۴ میلیون ریال از محل اعتبارات ملی و استانی، در ۱۴ مهرماه ۱۳۸۹، به عنوان موزه صنایع دستی گرگان راه‌اندازی و مشغول فعالیت شده است. «خانه‌ی امیرلطیفی جنوبی‌ترین بخش خانه مهدی‌خان ملک [است] که بعدها با نام خانه امیرلطیفی به اوج شهرت خود رسید.» خانه‌ی کنونی امیرلطیفی، یک حیاط کوچک از حیاط‌های مجموعه‌ی بزرگ ملک است. این بنا در عصر قاجار ساخته شد و دارای کاربردهای مختلف بود. این خانه در زمان مهدی‌خان ساعدلشکر، محل استقرار نظمی و زیرزمین آن، زندان موقت بود که از داخل به حیاط پشتی راه داشت. ساختمان شرق، محل نگهداری اسبان سران و مقامات بوده است. قسمت اداری نظمی و سرویس‌های بهداشتی، در حیاط پشتی خانه قرار داشت. این حیاط یک درب دیگر از کوچه برای ورود اسب‌ها و یک درب نیز از داخل پشت‌حیاط، به حیاط شمالی داشته است.

خانه امیر لطیفی در سال‌هایی، محل استقرار دبستان رشدیه بود و دانش‌آموزان در آن درس می‌خواندند. این خانه دارای ۴۵۸ متر عرصه که ۴۰۸ متر آن اعیان است. خانه امیرلطیفی دارای سازه‌ی آجری در ساختمان شمالی و سازه‌ی خشتی در ساختمان‌های شرقی و غربی است که با ملات گل‌آهک با درصد کم آهک، اندود کاهگل و گچ به شیوه‌ی حیاط مرکزی ساخته شده است. پلان با حیاطی مستطیل شکل، با یک ساختمان دو طبقه در سمت شمال و دو ساختمان یک طبقه در سمت شرق و غرب و یک دیوار در سمت جنوب محصور شده است. هم‌اکنون از طریق ضلع شرقی و با عبور از یک دالان کوتاه، می‌توان وارد حیاط شد. در



پلان طبقه دوم

پلان طبقه اول

(منبع: معاونت میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گلستان)

وسط حیاط، حوض آب و فضای سبز کوچکی قرار دارد که قبلاً درختان متعدد گردو، نارنج، پرتقال، ازگیل و انگور در آن کاشته شده بود. در ضلع شرقی، ۳ اتاق سه‌دری وجود دارد که نگهبانی، مدیریت و کرسی‌خانه در آن مستقر است. ضلع غربی شامل ۲ اتاق به همراه حمام، آشپزخانه و سرویس‌بهداشتی است که همگی الحاقی هستند.

در ضلع جنوبی، هیچ بنایی وجود ندارد و ساختمان مدرسه دارالشفاء دیده می‌شود، ولی در ضلع شمالی، ساختمانی دوطبقه بر روی زیرزمین به ارتفاع ۱/۵ متر قرار دارد که از آن به صورت حوض‌خانه استفاده می‌شد. طبقه اول دارای ۳ اتاق سه‌دری است که پس از تأسیس موزه، در هر یک از اتاق‌ها، صنایع‌دستی رامیان، علی‌آبادکتول، شاهکوه، ترکمن و قزاق به‌نمایش درآمده است. از طریق دو پلکان با شیب تند، از طرفین اتاق میانی، می‌توان به طبقه دوم رسید. این طبقه هم دارای ۲ اتاق سه‌دری در طرفین و یک اتاق پنج‌دری در وسط است. در هر یک از اتاق‌های این طبقه، صنایع و حرفه‌های سنتی استان از قبیل: خراطی، حصیربافی، بافندگی، مسگری و آهنگری به‌نمایش گذاشته شده است. هریک از اتاق‌ها به یکدیگر راه دارند و دارای طاقچه‌ها و رف‌های بسیاری هستند که از آن، برای نمایش صنایع‌دستی استفاده شده است.

با نگاهی به نقشه‌ی خانه امیرلطفی، می‌توان دریافت که این ساختمان با فکری خلاقانه، اصولی و تناسبی معمارانه بنا شده است. رعایت تناسب، نظم و اصل قرینه، نشانگر آن است که سازنده‌ی این بنا، فقط به فکر ساخت ساختمانی برای سکونت نبوده است، بلکه می‌خواسته چیزی فراتر از آن به یادگار بگذارد. با توجه به قرارگیری این اثر در خطه‌ی آب‌وهوایی معتدل و مرطوب، معمار علاوه بر در نظر گرفتن ویژگی‌های معماری شمال کشور، ویژگی‌های معماری اسلامی را نیز به‌خوبی رعایت کرده است. بازشوهای زیاد و تراس دورتادور ساختمان، نشان‌دهنده‌ی استفاده از هوای مطبوع و بادهای مساعد است.

سقف خانه‌ی امیرلطفی به صورت شیروانی و شیب چهارطرفه با پوشش سفالی است که بر روی خرپاهای چوبی اجرا شده است. استفاده از درب‌های چوبی و پنجره‌های مشبک که به شیوه‌ی گره‌چینی کار شده، زیبایی خاصی به آن می‌بخشد. سنگ‌فرش کف حیاط، تزئینات چوبی (تراس، شیرسر و بازشوها)، حوض آب، آجرچینی با شکل نیم‌دایره در بالای بازشوها، بندکشی بدنه‌ی ساختمان، طاق‌ها و شومینه از جمله تزئینات خانه امیرلطفی هستند.

سیدابوالقاسم امیرلطفی، فرزند آقا سیدمحمدعلی معروف به سبط‌الشیخ، نوه آقا محمود و نتیجه‌ی آقا ابوالقاسم معروف به سیدقاسم استرآبادی و نبیره‌ی آقا میررحیم است. «سرسلسله خاندان سادات بورکیائی یا سادات چغری، سیدلطیف واقف بورکیائی است. اوست که از «بورک» دهکده‌ای در ۶۰ کیلومتری شیراز کوچ کرده و به استرآباد آمده است و در چغری، دهکده‌ای در استرآبادرستاق، آب و ملکی خریداری کرده و به انجام امور شرعی استرآباد مشغول بوده است.»

یکی از نوادگان او، «سیدقاسم مشهور به استرآبادی است، [که] باید در شهر استرآباد قدم به جهان هستی گذاشته باشد. سیدقاسم در این شهر سرشناس بوده و ظاهراً هم‌چون پدر [آقا میررحیم] به امور شرعی شهر رسیدگی می‌کرد و ناصرالدین‌شاه به پاس خدمات او، [املاکی به وی واگذار کرد]. سیدمحمدعلی سبط‌الشیخ املاک پدری و اجدادی خود را بر کاغذپاره‌های چین ضبط کرده است:

۱. جعفرآباد ۲. گناره ۳. نوده ۴. قلی‌آباد تا فیوات ۵. مقصویم‌آباد ۶. چنارقشلاق ۷. حسن‌آباد
۸. میان‌آباد ۹. تقی‌آباد ۱۰. قرق علیا و سفلی ۱۱. والش‌آباد»



آقا سیدابوالقاسم امیرلطیفی در لباس پیشاهنگی

سیدابوالقاسم امیرلطیفی در سال ۱۲۹۲ ش در شهر استرآباد، محله میخچه‌گهران (پشت خانه فروغی) به دنیا آمد. مادرش کوکب‌خانم سپهری، فرزند شکرالله بود. سیدابوالقاسم اولین آموزش‌ها را نزد پدر و پدربزرگ دید. آقا محمود (پدربزرگ) مسلط به زبان‌های فرانسوی و روسی بود و آلات موسیقی را خوب می‌نواخت. او هم‌چنین با طب قدیم آشنا بود. آقا سیدمحمدعلی (سبط‌الشیخ) هم به علوم دینی عصر خویش آشنا بود. سیدابوالقاسم در سه‌سالگی مادر را از دست داد و توسط پدر و مادربزرگ مادری خود بزرگ شد. امیرلطیفی با رواج مدارس جدید در استرآباد، به مدرسه رفت و پس از پایان تحصیلات، در

اداره‌ی معارف و صنایع مستظرفه مشغول به کار شد. او در کارنامه‌ی خود، معلمی، دبیری، مدیریت دبیرخانه‌ی آموزش و پرورش و اوقاف، خدمات آموزش فنی، باستان‌شناسی، نظارت فنی ساختمان‌های تاریخی و جدید، مسؤل حسابداری، مهندس ناظر و ... را دارد که سرانجام پس از سال‌ها فعالیت، در تیرماه ۱۳۳۷ بازنشسته شد.

امیرلطیفی هم‌چنین به هنگام اشغال ایران توسط روس‌ها و خروج رئیس وقت اداره فرهنگ، سرپرستی آن را نیز برعهده گرفت.

بازرس سیار اداره فرهنگ گرگان (طبق حکم مورخ ۱۳۲۴/۴/۲)، عضویت در سازمان تربیت‌بدنی و پیشاهنگی گرگان (۱۲ سال)، ناظر جمعیت خیریه فرح پهلوی گرگان (۱۳۵۰-۱۳۳۹ ش)، خزانه‌دار کتابخانه عمومی شهر گرگان (۱۳۴۹)، تلاش در جهت مبارزه با بی‌سوادی، همکاری با گروه تئاتر سعدی تهران و اجرای نمایش‌نامه‌های متعدد، تلاش در جهت افزایش آگاهی‌های مردم

برای مبارزه با بیماری‌هایی چون مالاریا، ساخت‌وساز مراکز آموزشی در گرگان، گنبد، بندرشاه (بندرترکمن)، تلاش در جهت بنیان‌گذاری شیر و خورشید سرخ گرگان و عضویت در آن، مسئولیت مستقیم در ایجاد پیشاهنگی گرگان، تلاش برای مرمت و بازخوانی کتیبه گنبدقابوس، ارتباط با اهل فرهنگ کشور، از جمله مصطفوی (باستان‌شناس و رئیس موزه تهران)، ملک‌الشعرا بهار، دکتر سنگ (عضو جمعیت شیر و خورشید)، کلهر و ... تلاش برای گسترش ورزش و تهیه امکانات ورزشی، از دیگر فعالیت‌های اوست. یکی از اقدامات وی، همکاری در گردآوری مطالب سالنامه فرهنگ گرگان است که در سال ۱۳۳۷ش، با همکاری مسیح ذبیحی و ذبیح‌الله کاوه منتشر شد. در این کتاب، عکس‌هایی از امیرلطفی به هنگام عضویت در تیم فوتبال مدرسه متوسط معارف استرآباد در سال ۱۳۰۶ش، حضور در میان اعضای معارف استرآباد و دارالتربیه متوسط به سال ۱۳۱۱ش به سمت منشی اداره و معلم مدرسه و حضور در جمع اعضای اداره معارف استرآباد در سال ۱۳۱۱ و اعضای اداره معارف استرآباد در سال ۱۳۱۵ دیده می‌شود.

فعالیت امیرلطفی در حوزه‌های مختلف سبب شد تا از او به عنوان شخص همه‌فن‌حریف (حسابدار، معلم، مهندس، معمار و هنرپیشه) یاد گردد که در گسترش فرهنگ در سرزمین گرگان، از جمله مناطق ترکمن‌نشین تلاش می‌کرد. هم‌چنین از امیرلطفی به عنوان «بنیان‌گذار گرگان‌پژوهی» یاد شد که برای نخستین بار، اسناد منطقه‌ی گرگان را به منوچهر ستوده رساند تا وی بتواند آن‌ها را در مجموعه کتاب از «آستارا تا استارآباد» به چاپ برساند. سیدابوالقاسم امیرلطفی با زینب ملک (خانه‌دار)، دختر مهدی خان ملک، ازدواج کرد و از او دارای ده فرزند به نام‌های: کوکب، سیدمحمدعلی، هما، الهه، گیتی، رضا، زهره، رضی، فرزانه و فیروزه بود. امیرلطفی در ۲۰ آذرماه ۱۳۵۶، در سن ۶۴ سالگی درگذشت و در امام‌زاده عبدالله گرگان به خاک سپرده شد.

#### منابع:

- اخوان مهدوی، محمود. (۱۳۹۲/۹/۲۵). سخنرانی در مراسم تجلیل از امیرلطفی.
- اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گلستان. (۱۳۸۹). بروشور تبلیغاتی موزه صنایع دستی. گرگان: مؤلف.
- امیرلطفی، کوکب. (۱۳۸۹/۱۰/۲۳). مصاحبه شخصی رحمت‌الله رجائی.
- پورقاسم، جمیله. (۱۳۸۶). پروژه مطالعه و شناخت، آسیب‌شناسی و طرح مرمت خانه امیرلطفی گرگان. اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گلستان (حفاظت فنی).
- جرجانی، هاشم. (۱۳۹۲). مصاحبه شخصی رحمت‌الله رجائی.
- خوارزم، پرویز. (۱۳۹۲). مصاحبه شخصی رحمت‌الله رجائی.
- دباغ، حسین. (۱۳۸۹). مصاحبه شخصی رحمت‌الله رجائی.
- سالنامه فرهنگ گرگان. (۱۳۳۷). اداره فرهنگ گرگان.
- ستوده، منوچهر. (۱۳۸۰). از آستارا تا استارآباد (جلد ۱۰). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.